

شاه را

دوست

بداویم

علیرضا برازش

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

## زهرست مندرجات

۱	مقدمه
۷	داستان اول:
۱۰	داستان دوم
۱۲	داستان سوم
۱۵	داستان چهارم:
۱۷	داستان پنجم:
۱۸	داستان ششم:
۲۰	سفارش اول:
۲۲	سفارش دوم:
۲۳	سفارش سوم:
۲۴	معنا و مفهوم محبت
۲۶	گستره‌ی صفات و رفتار محبت‌آمیز
۳۲	لغزشگاه لغوی
۳۵	چه کسانی را دوست بداریم؟
۴۰	دوست داشتن کُناهِکاران، بدکاران و خطاکاران
۴۳	دلایل دوست داشتن همگان

- دلائل دهگانه ی ضرورت دوست داشتن همگان..... ۴۵
- دلیل اول - همه از خداییم..... ۴۵
- دلیل دوم - خداگونگی..... ۴۹
- دلیل سوم - بسم الله الرحمن الرحیم..... ۵۱
- دلیل چهارم - همسویی با هدف خلقت..... ۵۴
- دلیل پنجم - علت آغازین خلقت..... ۶۰
- دلیل ششم - اطاعت امر..... ۶۲
- دلیل هفتم - اقتدا به الگو..... ۶۵
- دلیل هشتم - رفتار متقابل..... ۶۸
- دلیل نهم - اثبات محبت از منظر شکر و سپاسگزاری..... ۷۰
- دلیل دهم - اثبات محبت از منظر دعا..... ۷۱
- شبهات چهارگانه..... ۷۳
- پاسخ جامع و فراگیر به شبهات چهارگانه..... ۷۴
- شبهه ی اول - دستورات مقابله به مثل..... ۷۶
- شبهه ی دوم - خداوند ظالم و کافر و مسرف و گناهکار را دوست..... ۷۹
- شبهه ی سوم - دستورات اولیاء دین به عدم دوستی با بعضی..... ۸۲
- شبهه ی چهارم - بحث جاذبه و دافعه..... ۸۶
- خلاصه مبحث پاسخ به شبهات..... ۸۸
- مرز تبدیل روش محبت آمیز به روشهای قهرآمیز..... ۸۹
- پی نوشت ها:..... ۹۷

## مقدمه

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست  
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست  
«سعدی شیرازی»

آیا می‌توان عاشق همه‌ی عالم شد، همه را دوست داشت و به همه عشق ورزید؟  
عشق و محبت و رحمت گنجینه‌ای است که هر چه از آن ببخشی، نه تنها کاستی نمی‌پذیرد که فزونی می‌یابد.

عشق و دوستی و خیرخواهی، چشمه‌ای است که اگر مانع جوشش و فوران آن نشوی، هر قدر دیگران را سیراب کند، خودت را نیز تطهیر کرده و شاداب و شاداب‌تر می‌کند.

هر چند فطرتِ بشر، بر محبت و دوستی و حسن

ظن سرشته شده، لکن شرایط، آموزه‌ها، رفتارها و تربیت‌های ناصحیح ما را بدانجا کشانده است که بازگشت به این اصل، محتاج تمرین و طی مسیری نه چندان کوتاه است. بیش از آنچه برای دوست داشتن دیگران تلاش کنیم، میل و توقع داریم که دیگران دوستانمان بدانند. و آنگاه که صحبت از گسترهی محبت می‌شود، فکر می‌کنیم دایره‌ی آن، حداکثر وابستگان را در بر می‌گیرد و یا کسانی که حقی بر گردن ما دارند و در نهایت آنان که در مقابل محبت ما، خیری هم به ما می‌رسانند - در واقع یک معامله -!! ولی، مدّعی این نوشتار فراتر از اینهاست.

نگارنده معتقد است می‌توان و باید همه را دوست داشت. نه فقط فرزند و همسر، بستگان و دوستان، بلکه همه را، بدون محدودیت، بدون شرط، بی‌مرز، بی‌استثناء، نه به امید جلب منافع مادی و حتی معنوی، حتی بدون انتظار پاداش، خالص و ناب.

همه را، حتی آنان را که ما را دوست ندارند، حتی آنان را که موجبات ناخشنودی ما را فراهم کرده‌اند و حتی آنان را که بدخواه ما هستند؛ و نیز آنان را که بر راه و طریق مورد قبول ما گام بر نمی‌دارند. همه را، حتی آنان را که هیچ کس دوستشان ندارد.

در مقام نقد می‌توان گفت: آیات متعدّدی از کتاب خدا به صراحت بیان می‌کند که؛ خدا کافر و ظالم و مسرف و فاسق را دوست ندارد، و این واقعیات تاریخی

را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که انبیاء و اولیاء درگیر جنگها و نبردهای متعددی شده‌اند و با دشمن جنگیده‌اند. و اصلاً کمتر مصلحی می‌توان یافت که این شعار را به این گستردگی مطرح کرده باشد و در عمل نیز کمتر دیده‌ایم که کسی، همه را دوست بدارد. ولی مگر کلام صریح پروردگار را فراموش کرده‌اید که علی‌رغم مقبولیت شکر و قدردانی می‌فرماید: "فقط اندکی از بندگان شکر گزارند؛ لذا عمل نکردن اکثریت مردم، دلیل نا صحیح بودن آن فعل نیست.

به هر حال ما در پی آنیم این باور را ایجاد کنیم که خداوند همه را، حتی کافر و ظالم و مسرف و فاسق را دوست دارد و تو نیز باید همه را دوست بداری. در پی آنیم این حقیقت را عیان کنیم که انبیاء و اولیاء و مصلحان، همه را دوست داشتند حتی دشمنانشان را.

شاید بگویی ترسیم چهره خشن از اسلام و مسلمانان، نگارنده را به نحوی برانگیخته که در جهت تفریط، از سوی دیگر بام در معرض سقوط است. نه آن افراط و نه این تفریط. ولی با تعقیب فصول این نوشتار، ان شاء الله روشن خواهد شد که، دور از افراط و تفریط و حتی المقذور واقع‌بینانه، به موضوع پرداخته‌ایم. هدف، بیان شعارگونه و بسی منطقی نبوده و نیست، استدلال کافی وجود دارد که این باور را در خوانندگان عزیز پدید آورد که؛ می‌توان و باید همه را دوست بداریم.